

برگی از شاهنامه حکیم یوسف ثبوتی*

منم شاه شاهان، شاه انشان و پارس، شاه پارت و کرمان و نیمروز. از میان رودان تا آن سوی رود به فرمان من است. لیدی و آشور بگرفتم و بر شاهان آنجا فرمان راندم. منم محمود حسابی، کمال جناب، منم علی اصغر آزاد، علی اصغر خمسوی، ضیاءالدین اسماعیل بیگی. منم همه اینها، منم فیزیک ایران، منم فیزیکدانانی که بودند و نیستند. انوشه روانان باشند. و فیزیکدانانی که نیستند و خواهند بود، کامروایان باشند. منم که کنفرانس سالیانه فیزیک رسم کردم. از تهران و اصفهان و مشهد و شیراز و تبریز و همدان خواستم که پول دهند و به نام من کنفرانس کنند. منم که فیزیکدانان ایران جمع کردم و انجمن بیاراستم. گفتم که فیزیکدانان ایران و انیران از میان رودان تا آن سوی رود گرد هم آیند و کنفرانس منطقه‌ای کنند. منم که واژگان فیزیک وضع کردم. گفتم که خواجه پور، صمیمی،

* این قطعه را استاد ثبوتی در سال ۱۳۷۰، در حاشیه دوره آموزشی بین‌المللی بس‌ذره‌ای در دانشگاه صنعتی اصفهان، تصنیف فرموده‌اند.

میرزاییگی، بهاری، و ابوکاظمی قاموس دری بکاوند و ناموس زبان بدرند و چیزهایی بیاورند که در حقه هیچ عطاری نباشد. منم که جایزه حسابی به حساب فرزندش برقرار کردم. یک سال در میان جایزه دادم و سالیانه گزارش کردم. منم که نوریان از هوای تهران، بانکی از فولاد مبارک و غرضی چاپار بسیج بدیدم و اموالشان به فیزیکدانان دادم. منم که میر سلیم بدیدم و زمین مستضعفان و بیچارگان برای انجمن بگرفتم. گفتم فیزیکدانان ایران کم‌اند و کم دارند. باید که بیشتر باشند و بیشتر داشته باشند. باید همه چیز داشته باشند و دیگران همه باید به آنها بدهند. منم که گفتم عبدالسلام چاپ کتاب‌هایش را به من بدهد و دلار بدهد، رنجبر هم باید بدهد و دیگران هم بدهند.

منم رضا منصوری، منم رئیس انجمن فیزیک ایران که اینها و خیلی چیزهای دیگر بکردم و بیشتر هم خواهم کرد.

